



• پنج‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۸۴

حدیث روز

امام کاظم(ع): کسی که هر روز خود را از زیبایی نکند، از مانیست.

الاختصاص

ذکر روز پنج‌شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملک

الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی

محمد وآل محمد»

در محضر بزرگان

اعتدال، رمز اهل معرفت

مرحوم علامه طباطبایی فرمودند: برای کسی که می‌خواهد اهل معرفت شود لازم است که در خوردن حتی حلال، میانه‌رو باشد و افراط نکند، و شکمو نباشد. بلکه تا گرسنه نشده سر سفره حاضر نشودو تا اشتها دارد دست از خوردن بردارد. و از لحاظ خواب و سخن گفتن نیز باید حد اعتدال را مراعات نماید.

پایگاه خبری شفقنا

حالی به حالی!

کفگیر عدس پلو

حال اون مادری رو دارم که یک هفته است از صبح تا شب داره دست تنها خونه‌تکونی می‌کنه و ظهر شوهرش و بچه‌هاش میان خونه و میگن: «باز عدس پلو داریم؟» و مادر دوست داره رد کفگیر رو روی بدن تک‌تک شون ببینه ولی دلش نمیاد!

بریده کتاب

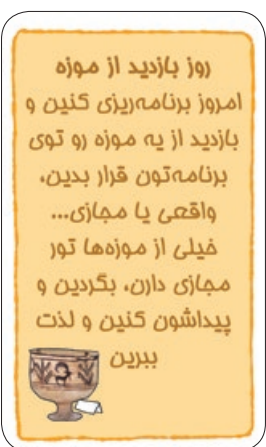
وقتی نمی شود عوض کرد

آدم زندگی می‌کند، زندگی‌اش را رفو و اصلاح می‌کند، آن را می‌سازد و گاهی هم خراب می‌کند. پس از مدتی می‌فهمد که دیگر نمی‌تواند در همه آن اشتباهات و اتفاقاتی که کنار هم نشانه، چیزی را عوض کند.

«میراث استر»

اثر شاندور مارای

قرار مدار



اندکی صبر

عقل یک معجزه است

سعید بهره‌ور

باران لطیف زده بر جاده خشک خیال شسته آن خلوت غمناک خیابان‌ها را ابر می‌گیرد و باران در پی می‌زند چنگ به گیسوی درخت یاس جان می‌گیرد اطلسی می‌خندد شمعدانی‌و ترک‌های ظریف گلدان دور حوضی آبی می‌نگارند تبسم‌ها را

فتوشعر انتظار



با خانمان

آقاسنگام!

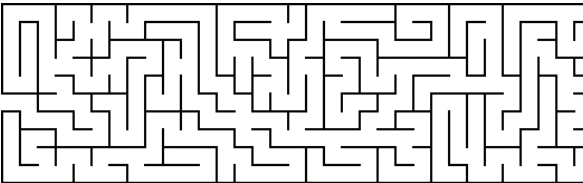
زهرافرنیا طنزپرداز

ترم‌مستون شروع شده و الان هم سه هفته‌اش گذشته. جالبه که بدویند از این سه هفته، تنها سه استاد بودن که شانس دیدن چهره خاص این دانشجوی عزیز، یعنی نویسنده ستون باخانمان، رو داشتند. الان سه هفته‌ست که قرعه فال به نام سایر استادان در نیومده که بفهمن اون دانشجوی ته لیست، کیه که بی خیال غیبت‌های دنیا شده و دانشگاه نمیاد. این دانشجو دلش می‌خواد دانشگاه بیاد، ولی نمی‌تونه. البته نه که واقعا دلش بخواد ها، دلش نمی‌خواد ولی مثل ترمای قبل که دلش نمی‌خواست و تهش می‌رفت سر کلاس، این ترم هم دلش نمی‌خواد. اما مشکل اینه که با شروع این ترم متوجه شده چند عددسنگ کوچولو موچولو نوی کلیه‌هاش یافت شده و همین که به دانشگاه و کلاس فکر می‌کنه، در دش می‌گیره.

می‌بینین درد رو؟ سنگ کلیه. تا میگردن و آسم و آلرژی با این اسم‌های قشنگ شون هستن، آدم شرمش میاد مریضیش رو بگه. بدتر از اون این که وقتی مریضی‌های جدی‌تر و خفن‌تر می‌گیری و میری دکتر، دکتر بعد از این که خودت رو به پهلوئه‌ای از اتاق بیرون کرده، رو می‌کنه به خانواده‌ت و میگه: «باید فضای خونه رو برای مریض آرام کنید. نذارید هیچ استرسی بهش وارد بشه. مریض نباید خیلی خسته بشه. باید خوب استراحت کنه تا مشکلس حل شه.» اما برای سنگ کلیه این جوری نیست. دکتر وقتی نتیجه سونوگرافی تون رو می‌بینه، رو میکنه به خانواده‌تون و می‌پرسه: «تحرکش کمه؟» مادر تون هم که به چشم چرخشی به شما می‌کنه، میگه: «والا چی بگم آقای دکتر. این که دانشگاه درست و درمون نمیره، و وقتی خونه‌ست هم می‌افته به گوشه، آدم فکر می‌کنه مُرده. بعد می‌بینه نه، انگشتش کار می‌کنه انگاری و داره با اون بی‌صاحب مونده چت می‌کنه.» دکتر هم که زده به هدف، ادامه می‌ده: «نمی‌دونم به این جوونای امروزی چی میدن که انقدر بی‌حوصله و بی‌عار شدن. همینه هیچی توی بدنشون جذب نمی‌شه، دفع هم نمی‌شه، سنگ می‌شه. دختر جون! اگه به ذره تحرک می‌کردی، په‌ذره کار خونه می‌کردی حتی، الان مجبور نبودی درد بکشی. همه‌ش تقصیر خودته‌ها! حالا هم برات په دارو می‌نویسم که عمر اتوی داروخانه‌پیداش کنی. باید خودت بشینی عرق خارش‌رو هندونه پخته بخوری و انقدر کار و تحرک بکنی که سنگ در بیاد.»

و این جا مادر تون دست‌هاش رو به هم می‌ماله و خدا رو شکر می‌کنه که بالاخره جواب دعاهاش رو گرفت. به مدت یه هفته هر کاری داره به شما میگه انجام بدین. از جارو کشیدن و گردگیری گرفته تا مسواک زدنش. (به این صورت که سرش رو ثابت نگه می‌داره و شما مسواک رو براش می‌چرخونین) بعد تصور کنین به سنگ چقدر می‌تونه ابله باشه که دم عیدرو برای رشدو نمو خودش انتخاب کنه. توی این ایام خونه‌تکونی، خونه که وظیفه‌ام بوده، اون هیچی. هر کی توی دم و همسایه از کار خسته می‌شد هم من رومی فرستادن ادامه کار رو انجام بدم. هیچ اعتراضی هم وارد نبود چون فکر می‌کردن با این کار شون بهم لطف کردن. بعد این یه هفته هم هر چی می‌گفتم: «بسه به خدا! هر چی سنگ داشتم و نداشتم دفع شد» گوش نمی‌دادن که! اما من که می‌دونم. این چندوقته انقدر اهل خونه و باقی فامیل به خاطر من بی‌تحرک بودن، بحران سنگ کلیه به‌زودی تمام اقوام و آشنایان رو در برمی‌گیره!

مار پیچ (سختی ۶۰+)



پیش‌نویس

پرونده‌های مجهول

دنیا به روایت تصویر



فرانس پرس| ساخت المانی‌با کیسه‌های پلاستیکی برای جلب نظر مردم به محیط‌زیست، ایالات متحده

تا بخند

- دوست دارم برم سوئد به خانواده ام سر بزنم... ولی حیف همین جان!
- پس از خزشدن با «دوقدم مانده که پاییز به یغما برود» در شب پلدا، به زودی شاهد مجروح گشتن با «نرم نرمک می‌رسد اینک بهار» خواهیم بود!
- سخت‌ترین کار دنیا را ضی کردن باباهاست که پلاستیک‌های یه چیز نورو بکنند!
- فکر کنم فیلم «دوازده سال بردگی» روی ما درم تاثیر گذاشته که میگه کار خونه‌تکونی که تموم شد آزادت می‌کنم که بری دنبال زندگیت!
- این همه راه‌داری میری تا مریخ، شیش تا بطری آب هم با خودت ببر که این قدر دنبال نشانه‌های حیات نباشی!
- یک عدد BMWX4 مشکی مات جلوی در خونه مون پارک شده. تا این جا این بزرگ‌ترین افتخاریه که در سال ۹۷ کسب کردم!

دور دنیا

مهارت عجیب کارمندان بانک در شمردن پول



آدیتی سنترال – سال هاست در همه بانک‌های جهان از ماشین‌های پول شمار استفاده می‌شود اما کارمندان بانک در چین مهارت عجیبی در شمارش پول دارند و به دقت و سرعت ماشین‌های پول شمار می‌توانند کار کنند! ویدئویی که

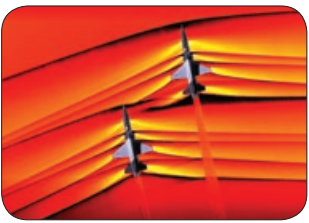
از شمارش پول توسط آن‌ها منتشر شده، باز دید زیادی داشته است. سرعت شمارش پول به قدری زیاد است که بعضی وقت‌ها از دستگاه پول شمار جلو می‌افتند.

مجلل‌ترین عروسی



اسپوتنیک– عروسی باشکوهی در بمبئی برگزار شد که در آن نصف بالیوود، بان کی مون دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، تونی بلر نخست وزیر سابق بریتانیا، ده میلیارد در و دیگر افراد مشهور دنیا حضور داشتند. همه آن‌ها مهمان «موکش آلمانی»، بازی‌گان مشهور و ثروتمندترین مرد هند برای برگزاری عروسی پسر بزرگش بودند. با توجه به شواهد هزینه‌های این عروسی به حداقل ۱۰۰ میلیون دلار می‌رسد. یک مهمانی نیز قبل از این عروسی در سوئیس برای ۵۰۰ نفر برگزار شد و تمام مهمانان در یک هتل اقامت داشتند که هزینه هر شب برات آن ۱۴۳۰ دلار بود و برای سرگرم کردن آن‌ها از گروه‌های موسیقی معروف جهان دعوت شده بود.

رویداد تاریخی در صنعت هوانوردی



بی‌بی‌سی– ناسا از رویداد بی‌نظیر و تاریخی لحظه‌ای که دو هواپیمای مافوق صوت، دیوار صوتی را می‌شکنند، عکس برداری کرد. هواپیماهای «سوپر سونیک» هواپیماهایی هستند که می‌توانند با سرعتی بیشتر از سرعت انتشار صوت

در فضا پرواز کنند. با پرواز این نوع هواپیما، امواج خاصی تولید می‌شود که به دنبال آن صدایی تاروی زمین شنیده می‌شود که به «شکستن دیوار صوتی» معروف است. این عکس‌ها مورد استفاده دانشمندانی است که روی این امواج تحقیق و بررسی می‌کنند.



گرفته می‌شود تا محل آن شیء عجیب را با دینامیت منفجر کنند. مردمان محلی که در نزدیکی این کوه‌ها زندگی می‌کنند گزارش داده‌اند گاهی رنگ آسمان در این منطقه تغییر می‌کند و مهی آبی‌رنگ ظاهر می‌شود. بسیاری از افرادی که این ناحیه را بررسی کرده‌اند، بر رمزوراز بودنش را تایید کرده‌اند اما تاکنون کسی نتوانسته است برای این پدیده‌های عجیب توضیحی ارائه دهد. اگر چه برخی مدعی شده‌اند چون این ناحیه روی یک گسل زلزله قوی قرار دارد، شاید علت آن به نوعی بار تا‌عاشات مرتبط باشد، اما بسیاری از دانشمندان و مردم محلی معتقدند آن شیء عجیب، دروازه سفر در زمان است که هنوز زمان لازم است تا نتیجه سفرهایش مشخص شود.



گتی|ایمبج| حمام سنتی گل، اندونزی

تفال

اگر روز بی‌اش فتنه‌ها برانگیزد

و گر بهر هگذری یک دم از وفاداری

چو گرد در پی‌اش افتم چو باد بگریزد

کله چغوقی

آق کمال در خانه تکانی جانش در می‌رود!



آق کمال! همه کاره و هیچ کاره

هیچ وقت مثل امسال بری عید نوروز لحظه شماری نکرده بودم. یعنی ای‌قد که تو ای سال گذشته خسته رفتم، هم فقط می‌خوام ای‌ده، پونز ده روزه فقط استراحت کنم، بی حرف پیش، گوش شیطون کر، ایشالا ماشالا! ولی دقت کردن تعطیلات عید همی آخرای اسفندش خوبه که حول ولا درم سال نوربسه، همی جنب و جوش و ذوق و شوقی که درم بری سال جدید خیلی مچسبه. و گر نه خود نوروز با چنان سرعتی میه و مره که نفهمیدم چی شد! بعدش باید تا اول اردیبهشت سماق بمکم تا حقوقاره ه بریزن! عوضش ای بر سال از هر کی طلب دری فرت و فرت تسویه مکنه و حقوق مِدن و عیدی مِدن و خوش خوشانت مشه. خلاصه ما نیم طبق روال هر سال مراسم باشکوه خانه‌تکانی داشتیم. اگه داستان زندگی ما ره دنبال کرده باشن مِدن که چی بساطی درم بری خانه‌تکانی، اگر هم تا حالا نخوندن که خب نمشه تو ۴۰۰ کلمه‌ای مصیبت ره براتان توضیح بدم! ولی همی ره بدین که خانه‌تکانی تو خانه ما، یکی از پیچ‌های سرنوشت سازه که ممکنه کار به جاهای باریک بیکشیه!! الان مگم.

همیشه از نیمه بهمن کاملیا خانم شروع مکنه به خانه‌تکانی، به‌ای بهانه که چون جفت‌مان سر کارم، وقت ندرم. اول هم مره سراغ حوزه استحفاظی خودش و قلمروی حکمرانیش یعنی آشپزخانه! بماند که حتی قندای توقدن و دوشاخ یخچال و توی شلنگ ماشین لباسشویی رم موشوره! کار مو وقتی شروع مره که پا مذاره تو هال. دگه گفتن ندره که چی به روز گازم میره و هم مثل چی ازم کار میکشیه. ولی بدبختی بعد از ای پروژّه شروع مره که مو نباید خدای نکرده کاری بکنم که زحمت‌ها مان هدر بره. مثلاً دیروز نشسته بود که یگه‌و انگار جن دیده باشه، داد زد: «اون چیه؟» برق سه فاز از پرید. دمپایی ره درآوردم که بزم به جنگش که دیدم منظور یک ردروی همودیواری بود که هفته پیش شسته بودم، اویم ردیگ بند انگشت خُردو که نفهمیدم چی جوری رفته بود اونچی و اصلا چی جوری دیده بودش! حالا بماند که تمام‌ای مدت تا تو پ سال نو بایردوی نوک پاؤر بچم که مبادا خواب فرشا به هم بریزه و دولخ بره! خلاصه خانه‌تکانی بری ما دو مرحله دره، یکی قبلش که سخته، یکی هم بعدش که سخت‌تره! به هر حال ایشالا که سال خوبی دشته بشن، دل‌تان خوش باشه، لب‌تان خندون، تن‌تان سالم و همیشه بگن خدا ره شکر. ما زم دعا کنن، یادتان بشه که مو آخرین نفری بودم که سال نوره بهتان پیشاپیش تبریک گفتم! ایم از ای.

مسابقه‌ای کیه؟

ای بابا... آسونه‌که!

سلام. این هفته با یک چهره تلویزیونی در خدمت تون هستیم که این روزها هم بیشتر دیده شد. بیشتر از این راهنمایی نمی‌کنیم، دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب و کاریکاتور برنده رو اولین پنج‌شنبه بعد از تعطیلات نوروز چاپ می‌کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید آقای سیروس رحیمی، برنده هفته پیش هستن که دوباره بهشون تبریک میکنیم.



ماوشما

راه‌ار تباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۹۵۷۶۴۹۴۹۵۸۰۰

* چقدر ما متولدان هفته آخر سال

* دانستی‌های دیرروز درباره خونه‌تکونی و مهیا شدن برای سال جدیدن یادشون میره تبریک بگن. خراسان تویه ماتربریک بگو!

حسین گلچیان

* با توجه به این که بنده جانباز بسیجی هستم، خواندن صفحه «راهیان عشق» مرا به یاد حال و هوای زمان جنگ انداخت. کلمات خوب و معنوی تان مرا به عالم دیگری برد.

معدونی تان مرا به عالم دیگری برد.